



بخش دوم سوگند و قسم در قرآن

گفتگو: نصرالله دادار

پای صحبت حجت الاسلام والمسلمین
دکتر محی الدین بهرام محمدیان

اشاره

سوگند چیست؟ چرا قرآن کریم سخن را با سوگند همراه می‌کند؟ تفاوت سوگندهای قرآن و سوگندهای متداول در میان مردم چیست؟ سوگند خداوند به یک پدیده، نشان از چه دارد؟ و کدام یک از آفریدگان خداوند متعال این امتیاز را داشته‌اند که خالق به آن‌ها سوگند یاد کند؟

پای صحبت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محی الدین بهرام محمدیان، قرآن پژوه و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌نشینیم تا پاسخ این سؤالات و سؤالاتی دیگر از این دست را بیابیم.

هشت بار در قرآن آمده است. در این جا مواردی را، که به خداوند متعال سوگند یاد شده است، همراه با مورد قسم و جواب سوگند، یادآوری می‌کنیم:

۱. «تالله لتسئلن عما کنتم تفترون - سوگند به خدا که از آن چه افترا می‌زنید، حتماً سؤال خواهید شد» (نحل/۵۶).
سوگند به خدا با لفظ الله و جواب آن پرسش از عقاید و گفتار باطل.

۲. «تالله لقد ارسلنا الی امم من قبلک فرین لهم الشیطان اعمالهم فهو ولیهم الیوم و لهم عذاب الیم - سوگند به خدا برای امت‌های پیش از تو نیز [پیامبرانی] فرستادیم. اما شیطان اعمالشان را برایشان بیاراست و امروز [نیز] او سرپرستانشان است و برایشان عذاب دردناکی است

● خداوند در قرآن کریم به کدام یک از اسمای مقدس خود سوگند خورده است و این سوگندها در چه رابطه‌ای هستند؟
○ هم چنان که اشاره شد، به لحاظ فقهی، سوگند به خداوند متعال سوگند شرعی است. در قرآن کریم در چهارده مورد به خداوند متعال سوگند یاد شده است: دو مورد از آن‌ها با لفظ جلاله «الله»، هشت مورد با کلمه «رب» و چهار مورد آن با کلمه «ما» موصوله». البته در چهار مورد اخیر بین مفسران و صاحب‌نظران علوم قرآنی اختلاف نظر وجود دارد. برخی از علما نیز تعداد اندکی از این سوگندها را ذکر کرده‌اند و احتمال این است که آن‌ها در صدد احصای همه آن‌ها نبوده‌اند. مثلاً سیوطی در الاتقان هفت مورد سوگند به خداوند متعال را یاد می‌کند که با کلمه «رب» همراه است، در حالی که سوگند با کلمه «رب»

(نحل/۶۳).

● سوگند به خداوند متعال با لفظ «الله» و جواب آن تزیین اعمال زشت آنان به وسیله شیطان و در پیش بودن مجازات دردناک

۳. «فلا وربک لایؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم...» چنین نیست و سوگند به پروردگارت که ایمان نمی‌آورند، مگر آن که در اختلافی که دارند تو را داور کنند...» (نسا ۶/۶۵).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن پذیرش داوری پیامبر به منزله نشانه ایمان

۴. «و یستنبئونک احق هو قل ای و ربی انه لحق و ما انتم بمعجزین- و از تو می‌پرسند که آیا آن حق است؟ بگو آری، سوگند به پروردگارت که آن قطعاً حق است و شما نمی‌توانید [خدا را] درمانده کنید» (یونس / ۵۳).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن، حقانیت وعده خداوند نسبت به عذاب جاودانه که در آیه قبل خبر آن داده شده است

۵. «فو ربک لنستلنهم اجمعین عما کانوا یعملون- سوگند به پروردگارت که از همگی آنان خواهیم پرسید، از آن چه می‌کرده‌اند» (حجر / ۹۲ و ۹۳).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن مؤاخذه از کافران نسبت به کردار آنها

۶. «فو ربک لنحشرنهم و الشیاطین... پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت» (مریم / ۶۸).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن محشور شدن کافران با شیاطین

۷. «و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعی قل بلی و ربی لتأتینکم عالم الغیب... و کافران گویند قیامت به ما نمی‌رسد. ای پیامبر! بگو چرا، سوگند به پروردگارت- همان دانای غیب- که بی‌هیچ تردیدی به شما می‌رسد» (سبا / ۳).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن مؤاخذه کافران در روز قیامت

۸. «فو ربّ السّما ء و الارض انه لحقّ مثل ما انکم تنطقون- آری، سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن مانند همین که شما سخن می‌گویید، حق است» (ذاریات / ۲۳).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن حقانیت خداوند

۹. «زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا قل بلی و ربی لتبعثن ثم لتنبؤن بما عملتم و ذلک علی الله یسیر- کافران پنداشته‌اند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند. بگو: آری، سوگند به پروردگارت که برانگیخته خواهید شد. سپس از آن چه کرده‌اید، آگاهتان کنند و این بر خدا آسان است» (تغابن / ۷).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن برانگیخته شدن و حسابرسی از اعمال

۱۰. «فلا اقسام ربّ المشارق و المغرب انا لقادرون علی ان نبذل خیراً منهم و ما نحن بمسبوقین- به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها سوگند می‌خورم که ما تواناییم بر آن که بهتر از آنان را جانشین آنان سازیم و ما درمانده نیستیم» (معارج / ۴۰ و ۴۱).

● سوگند به خداوند با کلمه ربّ و جواب آن قدرت خداوند

اما در چهار آیه از آیات قرآن کریم، به خداوند متعال با کلمه «ما»ی موصوله قسم یاد شده است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

● «والسّما ء و ما بناها- سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت»

● «والارض و ما طحاها- سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد»

● «و نفس و ما سوّاه- سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد»

این آیات «۵»، «۶» و «۷» سوره شمس «با کلمه «ما» به خداوند قسم یاد می‌کند و جواب آن، خبر رستگاری کسی است که خود را از گناه پاک ساخته و زیانکاری کسی که به گناه آلوده شده است. اما آیه دیگری که در آن نیز با «ما»ی موصوله به خداوند سوگند یاد می‌شود، آیه‌ای از سوره «لیل» است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

● «و ما خلق الذکر و الانثی- و سوگند به آن که نر و ماده را آفرید»

جواب این قسم نیز آن است که تلاش انسان اعم از خوب و بد نتیجه و اثر مخصوص به خود را دارد.

● اختلاف نظر مفسران در مورد سوگند به نام خداوند متعال که در آن از کلمه «مای موصوله» استفاده شده و جناب عالی در

صحبت‌های خود اشاره مختصری به آن داشتید، در چیست؟

○ برخی از مفسرین همانند زمخشری و مغنیه، «ما»ی مورد استعمال در آیات مذکور را «مای مصدریه» گرفته‌اند. این قول را برخی دیگر همانند شیخ طوسی و طبرسی از قاده نیز نقل کرده‌اند. در آن صورت، معنی آیات سوره شمس، «قسم به آسمان و بنای آن، قسم به زمین و گستردگی آن، قسم به نفس و تسویه آن» خواهد بود. البته این مفسران معتقدند که مای موصوله به غیر ذوی العقول دلالت می‌کند. ولی حقیقت آن است که مای موصوله انحصار در استعمال غیر ذوی العقول ندارد و گاهی نیز به معنای «هن- کسی که» استفاده شده است؛ هم‌چنان که در آیه سوم و بیست و دوم سوره نسا، «ما» به جای «هن» به کار رفته است: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء - پس ازدواج کنید با آن کسی از زنان که برای شما پسندیده و نیکوست» یا این که «و لا تنکحوا ما نکح اباؤکم- با کسانی که پدرانتان با آن‌ها ازدواج کرده‌اند، ازدواج نکنید».

ابن عباس: خداوند نیافریده و به وجود نیاورده کسی را که نزد او گرامی‌تر از محمد(ص) باشد و نشنیدم که خداوند به زندگی احدی جز او سوگند یاد کند

ب) اما دیگر آیه‌ای که در آن نیز به‌طور اشاره می‌توان سوگند به وجود پیامبر را دریافت کرد، آیه دوم سوره «بلد» است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «لا أقسم بهذا البلد و انت حلّ بهذا البلد- سوگند به این شهر و تو که ساکن این شهر هستی» [بلد/ ۱ و ۲].

البته برخی از مفسران قسم را متوجه شهر مکه و علت آن را سکونت پیامبر در آن شهر می‌دانند. در آن صورت، ترجمه آیه شریفه این‌گونه خواهد بود: «سوگند به این شهر (مکه)، در حالی که تو ساکن آن هستی».

○ در کدام یک از آیات قرآن کریم به فرشتگان سوگند یاد شده است؟

● در قرآن مجید چندین آیه وجود دارند که در آن‌ها به فرشتگان سوگند یاد شده است. این آیات در آغاز چهار سوره صفات، مرسلات، نازعات و ذاریات آمده‌اند. هر چند مفسران در دلالت آن‌ها به فرشتگان اختلاف نظر دارند، اما قول مشهور آن است که مقصود این آیات فرشتگان هستند. برای نمونه به آیات سوره صفات اشاره می‌کنیم: «والصافات صفاً، فالزاجرات زجرأً، فالتالیات ذکرأً، انّ الهمکم لواحد- سوگند به صفتگان- که صفی باشکوه بسته‌اند، و به زجر کنندگان که به سختی زجر می‌کنند، و به تلاوت کنندگان آیات الهی، که همانا معبود شما یگانه است» (صافات/ ۱ تا ۴).

● در این آیات مصداق صفتگان، زجر کنندگان و تلاوت کنندگان، فرشتگان معرفی شده‌اند که به آن‌ها قسم یاد شده و جواب قسم نیز یگانگی خداوند متعال است.

در آیات سوره مرسلات، نازعات و ذاریات نیز مصداق آن‌ها، فرشتگان معرفی شده‌اند. مفسرانی هم‌چون علامه طبرسی، شیخ طوسی و علامه طباطبایی از شیعه، و فخر رازی، زمخشری و جلال‌الدین سیوطی از اهل سنت به این معنا اشاره دارند.

○ در صحبت‌های خود اشاره کردید که خداوند در قرآن، به خود قرآن کریم نیز سوگند یاد کرده است. این سوگندها در چه آیاتی بیان شده‌اند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

خداوند متعال در پنج آیه به قرآن سوگند یاد کرده است. از ویژگی‌های سوگند به قرآن آن است که این سوگندها بعد از حروف مقطعه، در آغاز سوره‌ها واقع شده‌اند. دیگر این که همه مفسران درباره این پنج آیه، اتفاق نظر دارند که در آن‌ها به قرآن سوگند یاد شده است. این آیات عبارت‌اند از:

۱. «یس، و القرآن الحکیم، انک لمن المرسلین، علی صراط مستقیم- یاسین ای سید رسولان» قسم به قرآن حکمت‌آموز، همانا که تو از پیامبرانی، بر راهی راست» (یس/ ۱ تا ۳).

از جمله مفسرانی که در این آیات، «ما» را موصوله و به معنای «من» گرفته‌اند، می‌توان به ابن عباس، فیض کاشانی، آلوسی، مراغی و علامه طباطبایی اشاره کرد.

سوگند به وجود پیامبر(ص)

○ آیا در قرآن کریم به‌طور صریح به نام پیامبر اسلام(ص) قسم یاد شده است؟

● از نظر مفسران در قرآن کریم، در یک آیه به‌طور صریح به‌وجود مبارک پیامبر(ص) سوگند یاد شده است. این آیه، آیه ۷۲ از سوره «حجر» است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «لعمرك انهم لفی سكرتهم یعمهون- به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان هستند».

● جلال‌الدین سیوطی در تفسیر این قسم می‌گوید: «دانشمندان را این عقیده است که خداوند متعال در گفتار خود به لفظ لعمرك به پیامبر(ص) سوگند یاد کرده است تا مردم به عظمت و جایگاه آن حضرت در پیشگاه خداوند پی ببرند و مقام و منزلتش را نزد خداوند بشناسند».

● هم‌چنین که او از طریق ابن‌مردویه از ابن عباس نقل می‌کند که وی گفت: «خداوند نیافریده و به وجود نیاورده است کسی را که نزد او گرامی‌تر از محمد(ص) باشد و نشنیدم که خداوند به زندگی احدی جز او سوگند یاد کند.» در این آیه، قسم با کلمه «لعمرك» به جان پیامبر(ص) یاد شده و جواب آن غفلت و پریشانی مردم کافر است.

○ آیا موارد دیگری نیز وجود دارند که خداوند در قرآن کریم به نام پیامبر(ص) و یا به وجود مبارکشان به‌طور اشاره سوگند یاد کرده باشد؟

● بله، خداوند در دو آیه به‌طور اشاره به پیامبر(ص) سوگند یاد کرده است:

الف) «و شاهد و مشهود- و سوگند به گواه [عالم، پیامبر] و به مورد گواهی [روز قیامت]» (بروج/ ۳).

● در این آیه شریفه به «شاهد و مشهود» سوگند یاد شده است. در این که منظور از شاهد و مشهود چیست، تفسیرها فراوان است. اما یکی از مصداق «شاهد» با توجه به آیه شریفه «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً- ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم» (احزاب/ ۴۵)، «پیامبر» است. درباره مشهود نیز با استناد به آیه شریفه «ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود- روز قیامت روزی است که همه مردم در آن جمع می‌شوند و روزی است کاملاً مشهود و آشکار» (هود/ ۱۰۳)، گفته‌اند روز قیامت است.

سوگند قرآن به قلم و نوشته، در زمانی که کتابت امری مغفول بود، نشان از نگاه اسلام به علم، دانش و فرهنگ دارد

۲. «ص، و القرآن ذی الذکر، بل الذین کفروا فی عزة و شقاق- صاد، سوگند به قرآن پراندرز، آری آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه‌اند» (ص / ۱ و ۲).

۳. «حم، والکتاب المبین، انا جعلناه قرآنا عربیا، لعلکم تعقلون- حا، میم، سوگند به کتاب روشنگر، همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که ببینید» (زخرف / ۱ و ۲).

۴. «حم، والکتاب المبین، انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة، انا کنا منذرین- حا میم، سوگند به کتاب روشنگر، [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشداردهنده‌ایم» (دخان / ۱ تا ۳).

۵. «ق، و القرآن المجید، بل عجیبا ان جا ء هم منذر منهم فقال الکافرون هذا شیء عجیب- قاف، سوگند به قرآن باشکوه، از این که هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمد، شگفت‌زده شدند و کافران گفتند: این [پیامبر و حکایت معاد] چیزی عجیب است» (ق / ۱ و ۲).

چنانچه در این آیات مشاهده می‌شود، ضمن قسم به قرآن، صفتی از اوصاف این کتاب مقدس، که عظمت و اهمیت آن را نشان می‌دهد، بیان شده است. در آیه اول جواب قسم خیر از رسالت پیامبر و دعوت او به صراط مستقیم، در آیه دوم تأکید بر سرکشی و ستیزه‌جویی اهل کفر، در آیه سوم تأکید بر خردورزی در آیات قرآن، در آیه چهارم اشاره به انذار خداوندی، و در آیه پنجم خبر از انذارناپذیری و سرکشی کافران آمده است.

سوگند خداوند به انسان

○ **خداوند در چه آیاتی به انسان سوگند می‌خورد و اهمیت این سوگند در چیست؟**

● خداوند در آیه هفتم سوره شمس، ضمن سوگند به نفس انسان، خبر از الهام فجور و تقوا به او و هم‌چنین رستگاری و زیانکاری انسان در اثر تزکیه یا بدکاری و پلیدی می‌دهد؛ آن‌جا که می‌فرماید: «و نفس و ما سوأها فالهمها فجورها و تقواها، قد افلح من زکاهها و قد خاب من دسأها- و سوگند به نفس [انسان] و آن‌که او را ساخت و به او شر و خیرش را الهام کرد، آن‌کس که نفسش را پاک کرد، رستگار شد و آن‌کس که آن را پلید ساخت، زیانکار گردید» (شمس / ۷ تا ۱۰).

بسیاری از مفسران مراد از نفس را جان و روح انسانی دانسته‌اند و برخی همانند فخر رازی و علامه طبرسی، جسم انسان را از آن جدا کرده‌اند. البته برخی آن را اعم از روح و جان معنا کرده‌اند. اما آیه دیگری که در آن به‌نوعی به انسان قسم یاد می‌شود، آیه دوم از سوره قیامت است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «ولا

اقسم بالنفس اللوامة- و سوگند به نفس ملامتگر». بسیاری از مفسران نفس لوامة را وجدان انسان معرفی کرده‌اند و گفته‌اند: «نفس لوامة همان است که انسان خود را به جهت گناهان و لغزش‌هایی که مرتکب شده است، یا به سبب اعمال نیک و شایسته‌ای که آن‌ها را اندک به‌جا آورده است، ملامت و سرزنش می‌کند. برخی از مفسران آن را وجدان شخصی خاص مانند حضرت آدم(ع) گفته‌اند که پس از ترک اولی، مورد سرزنش و ملامت الهی قرار گرفت و او خود نیز، خود را سرزنش کرد. اما برخی دیگر از مفسران معتقدند آیه شریفه درصدد بیان وجدان شخص خاصی نیست، بلکه اطلاق دارد و شامل نوع انسان می‌شود.

○ در این آیه، منظور از نفس لوامة، وجدان ملامتگر این دنیایی است یا سرزنش نفس در آخرت را مدنظر دارد؟ در این مقام نیز گفت‌وگو وجود دارد که آیا این سرزنشگری نفس لوامة، به قیامت اختصاص دارد که در صدر سوره به آن قسم یاد کرده است، یا این‌که وجدان ملامتگر انسان در این دنیا نیز به وظیفه‌اش عمل می‌کند؟

بازخوانی متون دینی و روایی و تأمل در آرای مفسران، نشان می‌دهد که وجدان ملامتگر و نفس لوامة، در زندگی این دنیایی در وجود انسان فعال است و به قیامت اختصاص ندارد. مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: «مراد از نفس لوامة، نفس مؤمن است که او را در دنیا در صورت انجام معصیت و سهل‌انگاری در طاعت ملامت می‌کند و او را در آخرت نیز نفع می‌بخشد».

○ **در کدام یک از آیات، موضوع سوگند به پدر و فرزند است؟**

● در آیه سوم از سوره بلد آمده است: «و والد و ما ولد- و سوگند به پدری و آن‌کس که بزاد». در این آیه نیز قسم به انسان است، اما در نقش پدر بودن. برخی از مفسران مراد از «والد» را آدم و «ما ولد» را فرزندان او و برخی دیگر حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل دانسته‌اند. با توجه به دو آیه قبل، صاحب «المیزان» می‌فرماید: «والد ابراهیم و ما ولد فرزند عزیزش اسماعیل است که پایه‌گذار اصلی شهر مکه و کعبه بوده‌اند». عده‌ای دیگر از مفسران نیز اعتقاد دارند: مقصود از «والد و ما ولد» به‌طور مطلق است. والد از جهت معنای جنسی یا تغلیب به والده هم اطلاق می‌شود و در این آیه چون «والد» نکره و «ما ولد» مبهم است، تطبیق آن بر موارد خاصی مانند حضرت آدم و ابراهیم و اسماعیل و ذریه آن‌ها بیان مصداق است. به نظر ما منافاتی ندارد که آیه اشاره به نوع انسانی باشد که بقای نسل آن براساس تولید مثل است و مراد از آن هر پدر و فرزندی باشد که خداوند نسل بشری را به آن استمرار داده است.